



۱۳۳۳ هـ ق

تَأْتِيهِمْ مِنَ الْجَنَّةِ أَهْلًا مُبَشَّرًا بِالنَّارِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

سجده را بر آن آفریده، مگر کوی در آفرینش هوس نیست، این است آیین کسانوار بزرگوار

...

بشقاب‌های سفره‌پشت‌بامیان

پیامدهای ماهواره در خانواده

فقط خوردنی‌ها آلوده نیستند.
دیدنی‌های آلوده، بسیار داریم.



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: بشقاب‌های سفرهٔ پشت بامان؛ تبعات ماهواره در خانواده / محسن عباسی ولدی؛
 ویراستار سید محمد دلال موسوی.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۲۹۵ ص.؛ مصور (رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۳۷-۶
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتاب حاضر تحت عنوان 'بشقاب‌های سفره پشت بامان: خانواده
 و ماهواره' توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.
 یادداشت: کتابنامه. عنوان دیگر: تبعات ماهواره در خانواده ...
 عنوان دیگر: بشقاب‌های سفره پشت بامان: خانواده و ماهواره.
 موضوع: ماهواره‌ها -- ایران -- جنبه‌های مذهبی موضوع: Artificial satellites -- Iran -- Religious aspects
 موضوع: ماهواره‌ها -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی موضوع: Artificial satellites -- Social aspects -- Iran
 موضوع: تکنولوژی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام موضوع: Technology -- Religious aspects -- Islam
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب ۵ ع ۲۳۲/۵ BP
 رده بندی دیویی: ۲۳۲/۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۵۴۱۵

• بشقاب‌های سفرهٔ پشت بامان •

نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسوی زاده
 تصویرگر: محمد علی خلجی
 گرافیک و صفحه‌آرا: سعید صفارنژاد
 ویراستار: سید محمد دلال موسوی

• www.abbasivaladi.ir •

ارتباط باناشر: ۰۲۵-۳۳۲۲۱۶۶۲
 سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران
 نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۶
 شمارگان: ۲۲۰۰
 قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان
 هماهنگی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 • www.bookroom.ir •
 سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۳۰۲۲

کلیهٔ حقوق محفوظ است.

•••

دائم در مسیر میان زمین و آسمانی. راه آسمان را از برداری.
آسمان به تو عادت دارد ای مرد خدا!
دوستی تو با برترین مرد عالم، هم نشینی تو با والاترین زن دنیا
از تو فرشته ای ساخته بی نظیر.
شب هایی که همدم رسول خدا ﷺ بودی
و روزهایی که در کنار فاطمه علیها السلام نفس کشیدی
قیمتت را در آسمان دو صد چندان نموده.
چقدر خدا هوای تو را دارد که دشمنت را کافر نامیده.^۱
چه اندازه پاکی ای روح القدس! و چقدر امانت داری ای روح الامین!
که خدایت اجازه داد، تو، واژه واژه قرآن را از آسمان بچینی
و در قلب پیامبرش بکاری؛
قرآنی که پاک ترین و گران سنگ ترین کتاب روی زمین است.
یهود که دل به زمین بسته بود، با تو که همیشه خبر از آسمان می آوردی
دشمنی نمود و به رسول خدا ﷺ ایمان نیاورد؛
زیرا تو، خبررسان او از آسمان بودی.^۲
فرشته دوست داشتنی خدا!
دشمن تو دشمن ما هم هست.
یهود با امواج زهرآگین خویش امروز آسمان را آلوده نموده.
می شود سلام ما را به خدای محمد ﷺ برسانی
و بگویی توانی دهد ما را که بر نفس مان غالب شویم
که اگر چنین شود، پشت یهود به خاک مالیده خواهد شد.

تقدیم به

فرشته وحی الهی

عابرمیان زمین و آسمان

مرد خدا حضرت جبرائیل علیه السلام^۳

۱. خداوند در قرآن فرمود: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ
مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ» هر که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او
و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است. سوره
بقره، آیه ۹۸.

۲. هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد، روزی ابن صوری (یکی از علمای
یهود) با جمعی از یهود فدک نزد پیامبر خدا ﷺ آمدند، و سؤالات گوناگونی
از حضرتش کردند، و نشانه‌هایی را که گواه نبوت و رسالت او بود جست و
جو نمودند، از جمله گفتند: «ای محمد! خواب تو چگونه است؟ زیرا به ما
اطلاعاتی درباره خواب پیامبر موعود داده شده است»، فرمود: «چشم من به
خواب می‌رود؛ اما قلبم بیدار است». گفتند: «راست گفتی ای محمد!» و پس
از سؤالات متعدد دیگر، ابن صوریا گفت: «یک سؤال باقی مانده که اگر آن را
صحیح جواب دهی، به تو ایمان می‌آوریم و از تو پیروی خواهیم کرد. نام آن
فرشته‌ای که بر تو نازل می‌شود چیست؟» فرمود: «جبرئیل است». ابن صوریا
گفت: «او دشمن ما است، دستورهای مشکل درباره جهاد و جنگ می‌آورد؛ اما
میکائیل همیشه دستورهای ساده و راحت آورده. اگر فرشته وحی تو میکائیل
بود به تو ایمان می‌آوردیم». *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. یکی از معانی ذکر شده برای «جبرئیل»، «مرد خدا» است. رک: *تفسیر
نمونه*، ج ۱، ص ۳۶۳.

فهرست بشقاب‌های سفره پشت باممان

۱۳ • مقدمه

بخش اول به من بگو چرا؟!

۲۳ • فصل اول ناآگاهی

۲۷ • گفتار اول ناآگاهی از اهداف

- ۱. ترویج خانواده‌های بی‌قید در برابر خانواده‌های سنتی ۳۰
- ۲. ترویج خیانت زن و شوهر ۳۸
- ۳. از بین بردن قبح ارتباط دختر و پسر حتی تا حد باردار شدن ۴۴
- ۴. از بین بردن مفهوم مقدّس و متعالی خانواده ۵۲
- ۵. ارزش‌زدایی از مفهوم غیرت و عفت ۵۶
- ۶. تحریک حس رقابت در میان زنان و مردان ۶۰
- ۷. ایجاد حس رقابت در میان زنان و دختران برای جلب توجه مردان ۶۲
- ۸. ایجاد بلوغ زودرس جنسی ۶۴
- ۹. ایجاد روحیه تنوع‌طلبی جنسی ۷۴
- ۱۰. خارج کردن خانواده از قید مذهب و تغییر شیوه زندگی ۷۷
- ۱۱. رواج اعتیاد ۸۳

۸۷ • گفتار دوم ناآگاهی از شیوه‌ها

- ۹۰ • ۱. نمایش مکز نیمه‌عربانی و ارتباط‌های خارج از چارچوب شرع و در یک کلام، گناه
- ۹۲ • ۲. پخش سریال‌های دنباله‌دار
- ۹۳ • ۳. ترویج تفکر تغییرزمانه برای ترویج عادات غیرمتعارف
- ۹۷ • ۴. فریب‌کاری‌های مذهبی
- ۹۸ • ۵. سانسورهای فریبنده

۱۰۳ • گفتار سوم ناآگاهی از متولیان

- ۱۰۹ • فارسی وان
- ۱۱۲ • بی‌بی‌سی فارسی

۱۱۹ • فصل دوم لذت‌گرایی و دور ماندن از فضاهای معنوی

- ۱۲۳ • پرسش اول: چه کنیم که شیرینی محبت خدا را بچشیم؟
- ۱۲۳ • ۱. انجام دادن واجبات و ترک محرمات
- ۱۲۷ • ۲. خدمت به خلق
- ۱۲۸ • ۳. محبت و کمک به فقرا
- ۱۳۰ • ۴. محبت، مهربانی، ارتباط برای خدا و توکل براو
- ۱۳۳ • ۵. حلم و بردباری
- ۱۳۴ • ۶. یاد مرگ
- ۱۳۶ • ۷. دشمنی با دشمنان خدا
- ۱۳۸ • ۸. یاد کردن نعمت‌های خدا
- ۱۴۱ • ۹. حُزن و سُکر
- ۱۴۲ • ۱۰. شنیدن وصف عشق
- ۱۴۶ • ۱۱. پرهیز از مال حرام
- ۱۴۷ • پرسش دوم: چه کنیم که این طعم را به کام دیگران بچشانیم؟
- ۱۴۷ • ۱. چشیدن، راه چشاندن
- ۱۴۹ • ۲. رفتارهای فطری

۱۵۳ • فصل سوم توجیهاات سطحی

- ۱۵۵ • ۱. شبکه‌های دینی و مذهبی
- ۱۵۷ • فلسفه راه‌اندازی شبکه‌های مذهبی
- ۱۵۹ • چند کلمه با متولیان شبکه‌های مذهبی
- ۱۶۱ • ۲. اخبار سیاسی و شبکه‌های علمی

• ۱۶۵ • ۳. جلوگیری از حریص شدن فرزندان

• ۱۷۳ • فصل چهارم جو زندگی

• ۱۷۶ • مدیریت زندگی بر اساس حرف مردم!

• ۱۷۷ • تفکر

• ۱۷۸ • عزت حقیقی

• ۱۸۴ • تشکیل جبهه متحد

• ۱۸۷ • فصل پنجم تلویزیونی شدن خانواده‌ها

• ۱۹۷ • فصل ششم شکست در رابطه با همسر بویژه در رابطه خاص

• ۲۰۱ • فصل هفتم بی‌کاری و تنهایی

• ۲۰۷ • فصل هشتم دریافت نکردن شبکه‌های ملی با آنتن‌های معمولی

بخش دوم

پاسخ به پرسش‌های شما

• ۲۱۳ • پاک کردن صورت مسئله یا بالا بردن فرهنگ جامعه

• ۲۱۳ • ارتقای فرهنگ، ایجاد مصونیت از درون

• ۲۱۴ • جمع‌آوری بساط ماهواره از خانواده، امری لازم و ضروری

• ۲۱۹ • آیا تماشای فیلم‌های مبتذل، اهانت به خویش نیست؟

• ۲۲۱ • با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها چه کنیم؟

• ۲۲۱ • توجه به تربیت خانواده محور

• ۲۲۲ • احترام به پدر، به معنای تأیید همه کارهای او نیست

• ۲۲۴ • تقویت معنوی

• ۲۲۵ • با ابزارهای رسانه‌ای دیگر، چه کنیم؟

• ۲۲۵ • تعصب یا تعقل؟

• ۲۲۶ • تفاوت ماهواره با دیگر رسانه‌ها

• ۲۲۶ • الف) میزان نیاز به رسانه‌ها

• ۲۲۶ • ب) سهولت دسترسی به رسانه‌ها

• ۲۲۸ • مدیریت صحیح ابزارهایی غیر از ماهواره

• ۲۲۸ • باز هم کار فرهنگی

- ۲۳۳ ماهواره برای ما سرگرمی است؛ همین!
- ۲۳۳ ادعای ثابت نشده
- ۲۳۴ عاقبت تفریح باطل
- ۲۳۹ اگر شغل‌مان اقتضای دیدن ماهواره دارد...
- ۲۳۹ توجه به خانواده
- ۲۳۹ استفاده در حدّ ضرورت
- ۲۴۰ تهذیب نفس و مطالعه
- ۲۴۱ آیا محدودیت، مشکل‌ساز نیست؟
- ۲۴۱ مقایسه نادرست دوره طاعت و امروز
- ۲۴۳ عامل پیروزی انقلاب، چه بود؟
- ۲۴۵ هزینه برداشتن محدودیت‌ها
- ۲۴۶ باز هم همان حرف همیشگی
- ۲۴۹ مخالفت با ماهواره، مخالفت با پیشرفت!
- ۲۴۹ پاسخ به این پرسش با چند سؤال
- ۲۵۱ کمی از خدا بترسیم
- ۲۵۱ گناه اختلاف‌افکنی در میان زن و شوهر
- ۲۵۲ اختلافات خانوادگی ماهواره‌ای
- ۲۵۵ چه کنیم که تماشای ماهواره را ترک کنیم؟
- ۲۵۵ تأثیرناپذیری، ادعا یا واقعیت؟
- ۲۵۷ توجه به مکر شیطان
- ۲۵۸ تصرّح به درگاه الهی
- ۲۵۸ انجام دادن کارهای الزام‌آور
- ۲۵۹ گوش دادن به سخنرانی‌های اخلاقی و مناجات
- ۲۵۹ گفتن ادکاری برای رهایی از وسوسه
- ۲۶۰ هفتم: جمع کردن بساط ماهواره
- ۲۶۱ خانم خانه‌دار ماهواره نگاه نکند، چه کار کند؟
- ۲۶۱ مادری کردن
- ۲۶۴ خانه‌داری
- ۲۶۶ مطالعه کردن
- ۲۶۷ مشغول شدن به کارهای دستی
- ۲۶۷ کارهای هنری و خیریه
- ۲۶۷ گذراندن کلاس‌های آموزشی و آموزش از راه دور
- ۲۶۸ صلّه رجم
- ۲۶۹ صلّه رجم با کسانی که ماهواره دارند
- ۲۶۹ نهی از منکر
- ۲۶۹ تغییر شکل صلّه رجم

- ۲۷۰ گفتگو
- ۲۷۰ تشکیل جبهه متحد

بخش سوم حرف‌های شما

بخش چهارم حرف‌های آخرما

- ۲۸۷ با مردمی که ماهواره دارند
- ۲۸۸ بادوستانم
- ۲۸۹ بادشمنان
- ۲۹۳ منابع



• | مقنمه

رهایم کن! سنگینم نکن! بند زمینم نکن! من برای پرواز آمده‌ام، نه برای سقوط. درهای باز شده آسمان را مگر نمی بینی، که عمق درّه را نشانم می دهی؟ من می خواهم پرواز کنم. چشمان پاکم را به من برگردان. این چشم‌ها را به من نداده‌اند که هر چه تو خواستی، ببینم. اینها برای دیدن مسیر پرواز است که تو، آنها را ربودی و راه سقوط را نشانشان دادی.

تو می خواهی من روی زمین بمانم؛ اما او منتظر است من به آسمان، پربکشم. تو می خواهی من تاریک باشم. او می خواهد آینه شوم؛ آینه‌ای که فقط او را نشان می دهد. تو می خواهی اسیر تو باشم. او می خواهد در همه عالم، امیر باشم. تو مرا در امروزم خلاصه می کنی. او مرا برای ابد، آفریده است. تو انسانیت مرا می گیری و خرج حیوانیتم می کنی. او انسانیت مرا آزاد می کند تا خرج آسمانی شدنم بشود.

رهایم کن! من از تاریکی گریزان بودم. اصلاً از تاریکی می ترسیدم. تو چه کردی که من با تاریکی خو گرفتم؟ من از سوی نور آمده بودم و حالا هم می خواهم به دامن نور، باز گردم.

رهایم کن! اینها که نشانم می‌دهی، زیبایی نیست. من زیبایی را می‌شناسم. هر چه به رنگ دوست باشد، زیبایی است. اینها که تو نشانم می‌دهی، زشت‌هایی هستند که نام زیبایی را به سرقت برده‌اند. دستش بُریده باد هر که این شنیع‌ترین دزدی تاریخ انسانیت را انجام داد.

رهایم کن که وقت، تنگ است. شاید هم وقت به پایان رسیده باشد. من که نمی‌دانم چه اندازه فرصت دارم؛ اما می‌دانم که کار، بسیار و راه، طولانی است، و من مانده‌ام با عمری که از کف رفته و باری که روی دوشم سنگینی می‌کند. مرگ، پیرو جوان نمی‌شناسد. صدای زوزهٔ مرگ را چند روزی است که در حوالی وجودم می‌شنوم. رهایم کن ای نفس! من آمده بودم که با دوست باشم، رفیق راهم و مقصد دنیا و آخرتم او باشد. آمده بودم که به کمتر از او راضی نباشم. مرا به گونه‌ای آفرید که با کسی جز او، آرام نگیرم. آمده بودم دم به دم، او را در مقابل خودم بگذارم و لحظه به لحظه، نگاهش کنم تا بشوم جانشین او روی زمین. تو حکومت خودم را بر خودم هم گرفتی، چه رسد به جانشینی دوست بر روی زمین.

رهایم کن که دوست، دلم را خانهٔ خودش کرد و سند مالکیتش را به نام خویش زد؛ اما بر سرِ هر راهی که به او می‌رسید، نشستی و دلم را نشانه گرفتی و مرا از دوست، جدا کردی.

رهایم کن! دیگر فریبِت را نخواهم خورد. من می‌خواهم بزرگ باشم و بزرگ بمانم. از کوچک بودن، فراری هستم و تو می‌خواهی مرا در بندِ کوچک‌ها کنی.

رهایم کن که دیگر جز به او که حاکم آسمان‌ها و زمین است، راضی

نخواهم شد. من به اصل خویش، باز گشته‌ام. رهایم کن ای نفس!



ماهواره، مهمان ناخوانده‌ای است که چند صباحی است سر زده، وارد خانه‌های برخی از ما شده است. برخی نیز هوای دعوت کردن از آن را در سر دارند. خودش را خیرخواه ما معرفی می‌کند. او می‌گوید: «می‌خواهم شما را با دنیایی که زیر سقف آن نفس می‌کشید، آشنا کنم». ماهواره، مدّعی است دنیایی از علم را در سینه خود جا داده و شما بی آن که از جای خود تکان بخورید، دانش آموخته دانشگاه او خواهید شد. ادّعای صداقت دارد و می‌گوید: «هر چه می‌گویم، راست است. باور کنید. من همه اخبار دنیا را بی آن که یک کلاغ، چهل کلاغ کنم، به شما می‌رسانم. مطمئن باشید که کم‌فروشی هم نخواهم کرد».

او خیلی دلش به حال اوقات فراغت ما سوخته و شب و روزش را صرف پُر کردن این اوقات کرده است. این موجود خیرخواه، به قدری فیلم و سریال آماده کرده که اگر روزهایمان، هفته شود و هفته‌هایمان، ماه، باز هم برای دیدنش، وقت کم می‌آوریم.

ماهواره، خودش را دوستِ راه‌زندگی ما می‌داند؛ اما آیا به چنین دوستی می‌توان اعتماد کرد؟ چرا برخی از ما به راحتی در راه روی این مهمان ناخوانده، باز کرده‌ایم؟ آیا اگر یک فرد غریبه قصد آمدن به خانه شما را داشته باشد و شما هم او را نشناسید و ناموستان هم در خانه باشد، او را به خانه راه می‌دهید؟ اگر راه دادید، اجازه می‌دهید به هر کجای خانه که دلش خواست، سرک بکشد؟ این مهمان ناخوانده، اما وارد خانه برخی از ما شده و

هر کجا که خواسته، سرک کشیده؛ حتی به دل و جان و ایمان و اخلاق و عقایدمان! آیا ما به همه چیز و همه کس، مثل این مهمان ناخوانده، اعتماد می‌کنیم؟

کتابی که پیش روی شماست، مجموعه‌ی مباحثی است که در برنامه‌ی «پرسمان تربیتی خانواده» در «رادیو معارف» با موضوع ماهواره مطرح شده است. در تاریخ پنجم شهریورماه ۱۳۹۱، پرسشی از سوی یکی از شنوندگان محترم مطرح شد که زمینه‌ی بحث در باره‌ی موضوع «ماهواره و خانواده» را در هشت برنامه‌ی «پرسمان تربیتی» فراهم کرد. پرسش، این بود: «همسر ماهواره گرفته و به خانه آورده. حالا که من مخالفت می‌کنم، به صراحت می‌گوید: من یا با ماهواره در خانه‌ی تو می‌مانم یا اگر ماهواره از این خانه برود، من هم می‌روم.» ما برای پاسخ گفتن به این پرسش، به سراغ ریشه‌های گرایش به ماهواره رفتیم و متناسب با هر ریشه، راه‌کاری برای مقابله با آن، بیان نمودیم. در این میان، پرسش‌های متعددی هم توسط شنوندگان مطرح می‌شد که به آنها پاسخ دادیم.

این برنامه، از همان ابتدا با استقبال کم‌نظیر شنوندگان «رادیو معارف»، مواجه شد. بسیاری از شنوندگان، معتقد بودند این بحث باید از تلویزیون و شبکه‌های پُرشنونده‌ی رادیو هم پخش شود. پس از مدتی، در دی‌ماه ۱۳۹۲ همین بحث در برنامه‌ی «گلبرگ» شبکه‌ی سوم سیما مطرح شد. این بحث در تلویزیون، حدود چهار ماه ادامه پیدا کرد. تأثیرگذاری این بحث به قدری بود که برخی از شنوندگان و بینندگان تماس گرفتند و گفتند: پس از شنیدن این بحث، بساط ماهواره را از خانه‌شان جمع کرده‌اند.

یکی از ویژگی‌های این برنامه، بیان تجربیات شنوندگان و بینندگان بود. کسانی که آسیب ماهواره را در زندگی خود یا نزدیکان خویش به وضوح دیده بودند، در قالب تماس یا پیامک، تجربیات خود را بیان می‌کردند. در این کتاب هم بخشی از این تجربیات، آمده است. تجربیات شما در این کتاب با ادبیاتی عامیانه و به صورت چپ‌چین آمده تا به راحتی با متن اصلی و نقل قول‌هایی که از کتاب‌ها داشته‌ایم، متمایز شود. قسمتی از سخنان شنوندگان و بینندگان برنامه را نیز در پایان این کتاب آورده‌ایم.

اقبال فعّالان عرصهٔ اینترنت از این بحث، گواه دیگری بر ضرورت طرح این بحث در سطح جامعه بود.

به عقیدهٔ ما، علاوه بر افرادی که این مهمان ناخوانده را به خانه‌هاشان راه داده‌اند، کسانی هم که هنوز در راه به روی آن باز نکرده‌اند، نیازمند آگاهی در بارهٔ ماهواره و آثار آن در محیط خانواده هستند. میزبانان، باید آگاه شوند تا از دام این توطئه و تهاجم، رها شوند. کسانی هم که هنوز با ماهواره ارتباط برقرار نکرده‌اند، باید آگاه شوند؛ آن هم به دو دلیل: اول آن که ما هیچ‌گاه نباید از ناحیهٔ دشمن، احساس امنیت کنیم و خیالمان آسوده باشد. گاهی به جهت اعتماد بیش از اندازه به خودمان و به جهت ناآگاهی از دسیسه‌ها، ضربه‌ای کاری از دشمن می‌خوریم. دوم آن که در اطراف ما کسانی که به جهت غفلت یا جهل، در دام شبکه‌های ماهواره‌ای افتاده‌اند، کم نیستند. ما کسانی هستیم که دل در گرو دین داریم. لذا باید خود را سرباز جبههٔ فرهنگی بدانیم و در مقابل کسانی که در دام ماهواره گرفتار شده‌اند، احساس مسئولیت کنیم.

مگر سرباز جبهه فرهنگی، بدون آگاهی نسبت به نقشه دشمن، می‌تواند کاری از پیش ببرد؟

هم‌اکنون که از تاریخ انتشار این کتاب، حدود چهار سال می‌گذرد بیش از پنجاه بار به چاپ رسیده است. پس از استقبال مثال‌زدنی مردم عزیزمان از این کتاب، بر آن شدم تا یک بار دیگر، مطالب آن را مرور کرده، بازنویسی کنم. در این بازنویسی، علاوه بر افزودن مطالب و تجربیات جدیدی که شما با ما در میان گذاشته‌اید، متونی ادبی که متناسب با مطالب کتاب است نیز در آن گنجانده شده است. تصویرگری برای برخی از مطالب کتاب هم از ویژگی‌های دیگری است که به این کتاب افزوده شده است.

شماره ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰، شماره سامانه پیامکی ماست. این شماره را به خاطر بسپارید و با طرح هرگونه نظر، پیشنهاد و انتقاد خود، ما را در هر چه پُر بارتر کردن این کتاب در چاپ‌های بعدی یاری کنید. ما دوست داریم شما هم، مثل شنونده‌های این برنامه، تجربیات خود یا آشنایانتان را در باره ماهواره و تأثیر آن روی خانواده، از طریق سامانه پیامکی با ما در میان بگذارید.

در پایان، از همه کسانی که در راه انتشار این کتاب کوشیده‌اند، تشکر می‌کنم و امیدوارم همه شما از خطرهایی که بنای زیبای خانواده را تهدید می‌کند، در امان باشید.

قم، شهر بانوی کرامت
تابستان ۱۳۹۶
محسن عباسی ولدی

بخش اول • به من بگو چرا؟! •



(دلایل خرید ماهواره)

تدبیر در خرید می‌تواند نشانی از شخصیت تو باشد. به شخصیت خودت احترام بگذار.



برای این که بتوانیم در بارهٔ کسانی که با ماهواره دوست هستند،
قضاوت درستی داشته باشیم، باید بدانیم که چرا آنها با ماهواره
ارتباط برقرار کرده‌اند؟ بدون دانستن ریشهٔ یک رفتار، نمی‌توان در
بارهٔ آن چاره‌ای اندیشید.

ما در هشت فصل به چند ریشهٔ اصلی خرید ماهواره، اشاره
می‌کنیم که عبارت‌اند از:

۱. ناآگاهی؛
۲. لذت‌گرایی و دور بودن از فضای معنوی؛
۳. توجیهات سطحی؛
۴. جو زدگی؛
۵. عدم دریافت شبکه‌های ملی با آنتن‌های معمولی؛
۶. بی‌کاری؛
۷. شکست در رابطه با همسر، بویژه در رابطهٔ خاص؛
۸. تلویزیونی شدن خانواده‌ها.

پس از بیان هر دلیل، تلاش می‌کنیم راه‌کارهایی را برای از بین
بردن آن ریشه، بیان کنیم. البته میان حجمی که به هریک از
ریشه‌ها و راه‌کارهای آن اختصاص داده‌ایم، تناسبی وجود ندارد.

برخی از آنها در چند ده صفحه و برخی هم در یکی دو صفحه آمده است. این اختلاف به جهت تفاوت‌هایی است که میان این ریشه‌ها وجود دارد. برخی را به صورت جزء به جزء باید بررسی کرد و راه‌کارهای جزئی مقابله با برخی از ریشه‌ها نیز به کتاب دیگری ارجاع داده شده؛ زیرا پرداختن به آنها، نیازمند کتاب مستقلی است.

فصل اول

• نادانی؛ دشمن ترین دشمن •



(ناآگاهی)

دشمن را به عنوان دوست، مهمان کردن، نشانهٔ جهل است.
برحذر باش از دشمن ترین دشمنانت!



برخی از مردم در باره برنامه‌های ماهواره‌ای بسیار ساده‌اندیشانه قضاوت می‌کنند. این افراد به جهت ناآگاهی از اهداف پشت پرده این شبکه‌ها، به راحتی به آنها اعتماد می‌کنند. راه درمان این ریشه، آگاهی بخشی است. برخی، از تأثیرات مخرب شبکه‌های ماهواره‌ای غافل هستند. عده‌ای هم علاوه بر این، از اهداف پشت پرده متولیان این شبکه‌ها آگاهی ندارند و نمی‌دانند دست اندرکاران این شبکه‌ها با چه شیوه‌هایی به اهداف خود دست پیدا می‌کنند. برخی دیگر هم هیچ اطلاعی از صحنه‌گردانان اصلی این شبکه‌ها ندارند. بنا بر این، ما در سه بُعد باید آگاهی بخشی کنیم:

اول. آگاهی بخشی در بُعد اهداف؛

دوم. آگاهی بخشی در بُعد شیوه‌ها؛

سوم. آگاهی بخشی نسبت به متولیان پشت پرده این رسانه‌ها.

اگر کسی از اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای مطلع شود، اما از شیوه‌های

این شبکه‌ها برای رسیدن به اهداف خویش مطلع نباشد، ممکن است

به جهت سطحی‌نگری، وجود این اهداف را در پس پرده این برنامه‌ها

باور نکند. اگر هم اهداف و شیوه‌ها را بشنود، اما متولیان پشت پرده این

شبکه‌ها را نشناسد، شاید پذیرش این همه دشمنی برایش سخت باشد.

گفتار اول

• پشت دیوار این لبخندها •



(ناآگاهی از اهداف)

با لبخندی ملیح دارد راهی نشانت می دهد.
فریب لبخندش را نخور. شاید چاهی در انتهای این راه باشد.



قرن هاست که غرب در پی تحقّق دهکدهٔ جهانی است. او خودش را کدخدای این دهکده می‌داند؛ اما مانع بزرگی به نام اسلام را در مقابل خود می‌بیند.

شیوهٔ زندگی دینی با آموزه‌های غربی سازگار نیست. کسی که به دین پای بند است، نمی‌تواند در مسیر اهداف تمدن غربی گام بردارد. سالیان درازی است که غرب قصد کرده با برنامه‌های گوناگون، این مانع را از سرِ راه خود بردارد. یکی از اصلی‌ترین راه‌کارهای غرب برای رسیدن به این هدف، فاسد کردن مسلمانان است. غربی‌ها معتقدند اگر ما بتوانیم جوان مسلمان را به ورطهٔ فساد بکشانیم، بدون تردید، می‌توانیم این مانع بزرگ را از سرِ راه خود برداریم.^۲

۱. جدا کردن اندلس از پیکر جامعهٔ اسلامی، یکی از شیرین‌ترین تجربیات دشمنان اسلام است. اندلس، یکی از اصلی‌ترین مراکز حکومت مسلمانان در قلب اروپا بود که حدود هشت قرن در دست مسلمانان بود؛ اما با دو عامل ایجاد اختلاف و فساد اخلاقی، از دست مسلمانان خارج شد و به دست مسیحیان افتاد. برای مطالعه در بارهٔ فاجعهٔ اندلس، رک: *عبرت‌های اندلس*، سعید طالبی نیا قم؛ مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۲. در گفتار «ناآگاهی از متولیان»، سخنان صریحی از مقامات اسرائیلی در این باره آمده است.

این، یک قاعده کاملاً روشن است که: «در هر جامعه، نقطه پیشرفت و سقوط، نهاد خانواده است. برای پیشرفت جامعه، باید بنیان‌های خانواده را محکم کرد و برای ساقط کردن آن نیز باید خانواده را به انحراف کشید». با توجه به همین قانون، یکی از اصلی‌ترین اهداف شبکه‌های ماهواره‌ای، فروپاشی کانون خانواده است. ما در این جا به صورت جزئی برخی از ابعاد اصلی این هدف را تبیین می‌کنیم:

• ۱. ترویج خانواده‌های بی‌قید در برابر خانواده‌های سنتی

خانواده‌های مورد نظر شبکه‌های ماهواره‌ای، نباید در قید و بند قواعد سنتی خانواده باشند؛ بویژه سنت‌هایی که ریشه دینی دارد. به این چهار مثال، توجه کنید:

مثال اول. بدون شک در محیط خانواده، پوشش مادر و خواهر در مقابل پسران خانواده، باید حساب شده باشد. نباید به این بهانه که برادر یا پسر از محارم محسوب می‌شوند، مادر یا خواهر در مقابل پسر خانواده هر طور که می‌خواهند، ظاهر شوند. بسیاری از خانواده‌ها، به اشتباه گمان می‌کنند مردان یا پسران به وسیله محارم خویش، تحریک نمی‌شوند و به گناه نمی‌افتند؛ غافل از این که آتش انحراف برخی از نوجوانان و جوانان با جرّقه‌ای توسط اعضای خانواده، روشن می‌شود.

اگر غرب بتواند در محیط خانه، تعریف خودساخته‌ای از عفاف ارائه دهد، می‌تواند به راحتی سدّ عفاف را در محیط جامعه هم بشکند. برای رسیدن به این هدف، سریال‌ها، فیلم‌ها و حتی برنامه‌های کارشناسی، تعریف جدیدی از این مسئله را ارائه می‌دهند. برخی از

حرف‌ها را به جهت رعایت عفت کلام نمی‌توان بیان کرد؛ اما همین قدر باید گفت که در برخی از خانواده‌ها، پسر خانواده، از ناحیهٔ مادر و خواهر خود، تحریک‌گریزی می‌شود. البته مادر و خواهر، از روی عمد این کار را انجام نمی‌دهند؛ اما در این گونه مسائل، عمدی یا سهوی بودن، اثر چندانی در نتیجه ندارد. آنها با تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، به تدریج، فرهنگی را که این برنامه‌ها از پوشش خانوادگی ارائه داده‌اند، قبول کرده‌اند و آن را در محیط خانه اجرا می‌کنند. بنا بر این، بی آن که خود بدانند و بخواهند، از عوامل تحریک‌گریزی پسر خانواده می‌شوند. پس از تغییر فرهنگ پوشش، مشکلات بعدی را در مشاوره‌ها می‌توان شنید. مثلاً همین مادر و خواهر، در مشاوره‌ها می‌گویند: در برخی از اوقات، مثل خدا حافظی یا استقبال، وقتی با هم دست می‌دهیم یا روبوسی می‌کنیم، حرکات پسر یا برادرمان عجیب است، و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مُجمل!

•••

ما اگر فراموش کنیم خودمان را، شیطان، یک خود جدیدی به خوردمان می‌دهد. ما که خودمان را خوب می‌شناسیم، چرا چشممان را به روی خودمان می‌بندیم؟ کاش با چشم بستن به روی واقعیت خویش، هیچ واقعیت خیالی دیگری را به تماشا نمی‌نشستیم. مادر، واقعیت پسرش را فراموش کرده و خواهر، یک واقعیت خیالی برای خودش نقاشی کرده و پسر، هم خودش را و هم مادر و خواهرش را طور دیگری شناخته. واقعیت‌های خیالی، وقتی در دنیای واقعی به هم می‌رسند، دیدارشان جز فتنه، حاصل دیگری ندارد. خدا کند که خودمان را فراموش نکنیم.

•••

خیلی زود می‌گویم و رد می‌شوم.^۱ یکی از اهداف اصلی برخی از شبکه‌های ماهواره‌ای، قبح‌زدایی از روابط نامشروع در میان محارم، بویژه خواهر و برادر است!^۲

- من دختری ۲۸ ساله هستم. دیدن ماهواره، باعث شده که برادر ۲۳ ساله‌ام پیشنهاد شرم‌آوری بهم بده. خونه پدرم برام امنیت نداره. شب‌ها با ترس می‌خوابم.^۳
- من یه دختر بیست ساله‌ام. تو خونه مون ماهواره داریم. برادری دارم که تقریباً هم سن و سالمه. وقتی شب‌ها همه خوابیدن، می‌ره سراغ ماهواره. تازگی‌ها ازم خواسته تو خونه مثل فیلمای ماهواره‌ای لباس بپوشم. راستش اصلاً احساس امنیت نمی‌کنم.

مثال دوم. نگاه خانواده‌های سنتی به طلاق، همان حلالی است که خداوند از آن متنفر است. همین اعتقاد، از فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها جلوگیری کرده است.^۴ در فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای، فضایی برای ذهن مخاطب تولید می‌شود که طلاق، قبح‌چندانی برای مخاطب ندارد و به جای این که آخرین راه حل باشد، ساده‌ترین و نقدترین راه‌کار می‌شود. در ده سریال عاشقانه‌ای

۱. ما تمام تلاشمان را در این کتاب به کار بسته‌ایم تا به بهانه طرح مسائلی که برای جامعه ضروری است، قبح برخی از مسائل را نریزیم؛ اما در این اندازه‌اش، گریزی نیست. عذرمان را بپذیرید.

۲. در خانه اگر کس است، یک حرف پس است.

۳. مواردی که به صورت چپ‌چین و با زبانی عامیانه آمده است، تماس‌ها و پیامک‌های شنونده‌های برنامه «پرسمان تربیتی خانواده» از «رادیو معارف» و برنامه «گلبرگ» از شبکه سه سیما با ما است.

۴. البته ناگفته نماند که گاهی این نگاه سنتی به طلاق، به اندازه‌ای راه افراط را در پیش می‌گیرد که این حلال خدا را حرام می‌کند؛ یعنی در جایی که از نظریک مشاور دینی، راه حل مشکل زن و شوهر، طلاق است، برخی از خانواده‌های سنتی به آن تن نمی‌دهند.

که در بهار ۱۳۹۳ تنها از شبکه «جم تی وی» پخش گردید، ۲۲ طلاق و یا برهم خوردن عقد و نامزدی رخ داده است.^۱

•••

وقتی دل‌ها زیر سقف خانه در کنار هم خوش باشند، دل شیطان، همیشه عزادار است. دل زن و مرد را خدا خودش به هم خوش کرده و شیطان، همیشه از چیزی که رنگ خدا دارد، بیزار است. برای همین است که چشم دوخته به پیوندی که خدا، پای آن را امضای مودت زده. وقتی جانوری را دیدی که آمده و پایه‌های زندگی‌ات را می‌جود، در کشتنش تردید نکن که این جانور، فرستاده شیطان است.

•••

بر اساس برخی از تحقیقات میدانی، بیش از هفتاد درصد زنان و مردانی که در حال گذراندن مراحل طلاق خود بوده‌اند، در خانه ماهواره داشته‌اند.^۲

• به دلیل ماهواره، زندگی‌ام از هم پاشید. شوهرم جوگیر شد. بدجوری هم هوایی شد، به طوری که منو با بچه توی شکم ول کرده و رفته. خواهش می‌کنم برای هدایت همه جوونادعا کنید.

• مادر پیری دارم که دیدن برنامه‌های ماهواره، باعث شده که بعد از ۴۱ سال زندگی می‌خواد از پدر پیرم جدا شه.

• من یه خانم ۲۱ ساله هستم. الان شش ماهه که ازدواج کردم. با دیدن سریال‌های ماهواره‌ای نزدیک بود از شوهرم جدا شم؛ ولی همین که نگاه نکردم، زندگی‌ام خیلی خوب شد. الان خیلی خوش بختم.

۱. پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی، ۲۷ مهر ماه ۱۳۹۳.

۲. رک: نشریه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، بهاره ۱۳۹۰، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۹۱-۲۱۱.

در حالی که در سال ۱۳۷۳، تنها سه شبکه تلویزیونی فارسی‌زبان، شامل شبکه تلویزیونی گروهک نفاق و دو شبکه لس آنجلسی مشغول فعالیت بودند، در سال ۱۳۹۱، این تعداد به ۱۲۵ شبکه فارسی‌زبان رسیده^۱ و تا نیمه اول سال ۱۳۹۳ نیز تعداد این شبکه‌ها از یکصد و شصت، عبور کرد.^۲ هم‌زمان با رشد سریع شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین گسترش استفاده از ماهواره در خانواده‌ها، شاهد رشد معنادار آمار طلاق هم هستیم، به طوری که از سال ۱۳۷۵ تا به امروز، تقریباً هر سال شاهد رشد آمار طلاق نسبت به سال پیش از آن هستیم. آمار زیر، بیانگر تعداد ثبت طلاق‌های هر سال به ازای هر صد ازدواج است:

سال ۱۳۷۵: ۷,۸

سال ۱۳۸۰: ۹,۴

سال ۱۳۸۵: ۱۲

سال ۱۳۸۷: ۱۲,۵

سال ۱۳۸۸: ۱۴,۱

سال ۱۳۸۹: ۱۵,۴

سال ۱۳۹۰: ۱۶,۳

سال ۱۳۹۱: ۱۸,۱

سال ۱۳۹۲: ۲۰,۱

۱۳۹۳: ۲۲,۶

۱۳۹۴: ۲۳,۸^۳

۱. رک: پایگاه اطلاع رسانی مشرق نیوز، ۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۲.

۲. رک: روزنامه جوان، ۱۵ تیر ماه ۱۳۹۳.

۳. پایگاه اطلاع رسانی ثبت احوال.

البته ما نمی‌خواهیم همه دلایل طلاق را به حضور ماهواره در خانواده محدود کنیم؛ اما نمی‌شود رابطه معنادار گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای را با بالا رفتن آمار طلاق، انکار کرد.

- ما ماهواره نداریم؛ اما همسایه‌مون ماهواره داشت و کار خانوم پنجاه ساله و آقای شصت ساله به جدایی کشید. خانوم، عاشق برنامه‌های کاذب ماهواره شد؛ مخصوصاً «فارسی‌وان». کار به جایی رسید که خانومه به پسرش گفت: «به بابات بگو می‌خوام ازش طلاق بگیرم». آقا وقتی فهمید فکر طلاق به دلیل فیلمای مبتذله که خانوم دیده، به قدری بهش فشار اومد که خودکشی کرد؛ ولی خدا بهش رحم کرد و زنده موند. البته به خاطر چیزایی که خورده بود، ناراحتی معده و روده پیدا کرد و شش ماه بعدش مُرد.
- من دختری هفده ساله هستم که وقتی ماهواره نگاه می‌کردم، تصمیم گرفتم از نامزدم جدا بشم؛ ولی یک روز ماهواره‌مون خراب شد و اتفاقی برنامه شمارو نگاه کردم. خیلی روی من تأثیر گذاشت و تصمیم گرفتم برم سرخونه زندگیم.

مثال سوم. در خانواده‌های سنتی، پدر و مادر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند. به صورت طبیعی، جایگاه ویژه پدر و مادر، مانع بسیاری از انحرافات است. وقتی فرزند در تصمیم‌های خود به نظر پدر و مادر توجه می‌کند و در کارهای خود، از والدین اجازه می‌گیرد و در یک کلام، خودسر نیست، راه برای انجام دادن کارهایی که نهاد خانواده را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، تنگ می‌شود؛ اما شبکه‌های ماهواره‌ای تلاش می‌کنند پدر و مادر را از محوریت خانواده، خارج کنند. پدر و مادر از نگاه این فرهنگ، کسانی هستند که به جهت قانون طبیعت، زمینه‌ساز تولد فرزند بوده و باز هم به

۱. در گفتار «آشنایی با متولیان پشت پرده شبکه‌های ماهواره‌ای»، درباره این شبکه، سخن خواهیم گفت.